

حدر ربابہ سلام

سید محمد حسین بهجت قبری
«شہریار»

با مقدمہ ای. بی. از:
دکتر ساجد چوہدری
مہدی روشن
عبدالعلی کاندھلوی

پیشگفتار و تصحیح
جمشید پور اسماعیل نیازی



تبریز - ۱۳۹۴

- سرشناسه : شهریار، محمدحسین، ۱۲۸۵ - ۱۳۶۷.
- عنوان و نام پدیدآور : حیدربابایه سلام / سیدمحمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)، مقدمه از منوچهر مرتضوی، مهدی روشن ضمیر، عبدالعلی کارنگ؛ پیشگفتار و تصحیح جمشید راسمعیل نیازی.
- مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نصر پروانه، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۴ص.
- شابک : 978-600-7064-73-3
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴
- شناسه افزوده : مرتضوی، منوچهر، ۱۳۰۸ - ۱۳۸۹، مقدمه نویسنده
- شناسه افزوده : روشن ضمیر، مهدی، ۱۲۹۸ - ۱۳۷۸، مقدمه نویسنده
- شناسه افزوده : کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۸، مقدمه نویسنده
- شناسه افزوده : پوراسمعیل نیازی، جمشید، ۱۳۵۳ -
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ح ۹ش/ ۳۱۴ PL
- رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۶۱۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۰۶۶۳۵



حیدر بابا بہ سلام

سید محمد حسین بہجت تبریزی

«نصر» یار

با مقدمہ ہاں، از دستہ نوچہ مرتضوی

مہدی روشن ضمیر، دانی کارنگ

پیشگفتار و تصحیح:

جمشید پور اسمعیل نیازی

انتشارات نصر پروانه

تبریز - چہارراہ بہشتی (منصور) مجتمع تجاری اطلس

طبقہ زیر زمین - پلاک ۲

ہمراہ: ۴۶۶ ۷۷۷۷ ۰۹۱۴

np_nashr@yahoo.com

www.np-nashr.com

تایپ و صفحہ آرایہ : فرشید

ویراستار : مرتضیٰ خانی

طرح روی جلد : امیر نجفی

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴

اندازہ و تعداد صفحہ : رقمی ۱۳۴ ص

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخہ

چاپ و صحافی : اعظم - لکھری

شابک: ۳-۷۳-۷۰۶۴-۷۰۷۸-۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۴-۷۳-۳ ISBN: 978-600-7064-73-3

قیمت: ۸۰/۰۰۰ روپال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	بیشگفتار جمشید پور اسمعیل نیازی
	مقدمه
۳۳	دکتر وچهر رضوی
	مقدمه
۴۷	دکتر مهدی روشن سمیر
	مقدمه
۵۹	عبدالعلی کارنگ
	مقدمه
۶۳	شهریار
۶۷	متن حیدربابا
۹۹	شرح اصطلاحات به قلم استاد شهریار
۱۱۷	تصاویر

پیشگفتار

حیدربابای شهریار ساده و لطیف است بی هیچ پیرایه‌ای. نه صناعات دور از ذهن شعری را در خود دارد و نه تکلف شاعر در استفاده از کلمات ثقیل و دور از فهم عامه را. اثری فولکلوریک از شاعری دلسوخته. قطعاتی ست که به گفته سراینده اش انعکاس ذهنیات شاعر از دوران کودکی خود می‌باشد. اما این پژواک در پیرایه قدری خوش افتاده است که هر خواننده‌ی آشنا با زبان مادری سراینده می‌تواند، مطالعه‌ی «حیدربابایه سلام»، تصویر روستاهای آذربایجان - و نه فقط حسکنا و شکل آباد - در دوران طفولیت شاعر را همچون تابلویی رنگین به تماشا بنشیند. شاعر در سرودن این قطعات از تمثیلات و ضرب‌المثل‌های رایج در افکار مردمی بهره برده و هنری والا در بازآفرینی آنها به نمایش گذاشته است.

زیباتر می‌نمود که زندگی‌نامه‌ی استاد شهریار را در «پیر کتاب قرار دهیم اما به دلیل آن که کتاب دیگری تحت عنوان «قوس زندگی شهریار» در دست نگارش قرار دارد و زندگی و زمانه‌ی این شاعر شهیر معاصر به صورت کامل در آن انعکاس یافته است لذا از تکرار مطالب خودداری نموده و امیدواریم که به زودی آن کتاب را نیز تقدیم خوانندگان گرانقدر نماییم.

باز چاپ این کتاب به جهاتی چند لازم می‌نمود:

❖ نخست آن که مقدمه‌ی پر محتوای استاد عالیقدر زنده یاد دکتر منوچهر مرتضوی^۱ به دلایلی چند که به نظر تعمیدی می‌رسد، بر حیدربابای شهریار مهجور افتاده بود و به جز در سال ۱۳۴۵ تجدید چاپ نشده بود. به باور نگارنده‌ی سطور، این مقدمه‌ی مؤجز خود کم از حیدربابای شهریار نداشت. صحت نظر از حب و بغض‌های گروهی و جناح‌بندی‌های سیاسی که مانع از باز نشر این مقدمه بوده‌اند، استاد مرتضوی حق مطلب را در قبال حیدربابا و خود شهریار ادا ننموده است.

❖ دومین دلیل تلاش برای نشر حیدربابا انتشار مجموعه‌هایی است که در این آشفته بازار فرهنگی به عمق یا به سهو در اصل سروده‌ی استاد شهریار دست برده، چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ انشایی سعی در تغییر شکل اصلی قطعات داشته و دارند. بدون اشاره به مجموعه‌ای خاص از ناشران محترم، متأسفانه شاهدیم که برخی افراد ناآگاه و گاه مدعی هویت‌طلبی و حافظ زبان مادری، به بهانه‌هایی در اصل سروده‌ها دست برده و نه تنها گویش خود استاد را که یادگاری شیرین از دوران نیم قرن گذشته‌ی تبریز و اطراف آن است، از بین برده‌اند، بل، به یکسان‌سازی زبانی دست یازیده و در این دوست، دشمن گویش‌های رایج در جای جای آذربایجان شده و سعی دارند به هر نحو ممکن چتر گویشی خاص را بر روی کل مناطق آذربایجان

۱- زنده یاد دکتر منوچهر مرتضوی (زاده‌ی تیر ۱۳۰۸ در تبریز - درگذشته‌ی ۹ تیر ۱۳۸۹ در تبریز) یکی از برجسته‌ترین ادبا، نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز و حافظ‌شناس برجسته‌ی معاصر بود که آثار بسیار قابل توجهی در تاریخ و ادبیات برجای گذاشته است. از آن جمله می‌توان به مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی، فردوسی و شاهنامه، مسائل عصر ایلخانات، زبان دیرین آذربایجان و ... اشاره کرد.

بگسترانند. صد البته که بهانه‌ی آنها نیز به لحاظ جو سازی‌های تصنعی سخت راست می‌نماید و اکثر مدعیان هویت‌طلبی آذربایجانی به خاطر حفظ موقعیت و جایگاه کذایی خویش و یا جهت در امان ماندن از حملات راسیست‌های معلوم‌الحال، زبان در کام کشیده و لب به اعتراض نگشوده‌اند؛ اما در پس پرده حکایتی دیگر در جریان است. کاری را که در طول تاریخ به زور شمشیر نتوانسته بودند از پیش ببرند اکنون در لباس دوست و با سیاست همسان‌سازی در حال پیاده‌سازی هستند. در عین حال بسیار جای تأسف که روشنفکر نمایان تبریز و ... بر نقطه آذربایجان نیز به دور از درک حقایق پشت پرده، در دام افتاده و به تائید آنها، گویش شهر و دیار خود را فدای شعارهای پر زرق و برق می‌نمایند.

تحریف هویت تاریخی، و هنگی و ... دامنه‌ی بسیار وسیعی داشته و صرفاً منحصر به «حیدربابا»ی سهریار هم نبود. مراجعه به کتاب‌های تاریخی، خاطرات رجل، اسناد منتشره و ... حکایت از آن دارد که این امر در طول یک قرن گذشته خصوصاً در دوره‌ی شکم‌گیری «فرقه‌ی دموکرات آذربایجان» تبدیل به رویه‌ای معمول گردیده است. مطالعه‌ی کتاب‌های «فراز و فرود فرقه‌ی دموکرات آذربایجان»^۱، «گوموشو پننجک»^۲، مختصری از تاریخ قدیم آذربایجان^۳ و ... برای آگاهی از روند هویت‌سازی روغین و

^۱- فراز و فرود فرقه‌ی دموکرات آذربایجان: جمیل حسلی، ترجمه‌ی منصور همای، نشر نی، چاپ

سوم ۱۳۸۶

^۲- گوموشو پننجک (کت نقره‌ای): هاشم نرلان، نشر فیروزان، چاپ اول، ۱۳۸۶

^۳- مختصری از تاریخ قدیم آذربایجان: فریدون ابراهیمی، ترجمه‌ی جمشید پور اسمعیل نیازی، انتشارات درویش، چاپ چهارم ۱۳۹۴

جایگزین نمودن آن با هویت واقعی و اصیل مردم این دیار در راستای ارتقاء آگاهی خوانندگان گرامی بسیار سودمند خواهد بود. در واکنش به تغییر گویش اصلی مجموعه‌ی حیدر بابا که مهم‌ترین و معاصرترین مجموعه‌ی مدون گویش تبریز و اطراف آن می‌باشد؛ وظیفه‌ی ایجاب می‌نمود عین ادبیات و گویش به کار رفته‌ی استاد را با شیوه‌ی امروزی ارائه دهیم.

❖ سوابق مرتبط با این چاپ در همین نکته نهفته است که کلمات به کار رفته در این مجموعه به‌آرگرفته از دستخط استاد طاهر خوشنویس و شخص شهریار است. تمام تلافی و جعای ما بر این بوده است که لهجی شیرین استاد فدای یکسان سازی و هم‌جریان‌ات سیاسی نشود و این گنج فولکلوریک از دست چپاول زمانه درآید.

❖ و نهایتاً مهم‌ترین دلیل برای چاپ و نشر این مجموعه نگرانی‌هایی بود که در خصوص حذف بندهایی از منظومه‌ی حیدر بابا، ذهن و روان اینجانب را مغشوش نموده بود.

هر خواننده‌ی فهیمی می‌تواند با یک حساب رانگاری به عمق سیاست‌بازی برخی قلم به‌دستان بیگانه‌پرست برده و به‌نیات است‌برده‌ی آنان واقف شود. از سویی در مجموعه‌های منتشره که اتفاقاً به دو خط (عربی و لاتین) نیز چاپ شده است، قطعاتی از حیدر بابا حذف می‌شود و از سویی دیگر لغات و اصطلاحات به کار رفته توسط شهریار با لغات و اصطلاحات متعلق به یک گویش خاص تعویض می‌شوند. طبیعی است که با این روند در نیم قرن آینده شاهد چاپ و نشر حیدر بابایی خواهیم بود که به کلی با سروده‌ی شهریار مغایر و متفاوت است.

متأسفانه در تحریف منظومه‌ی حیدربابا کار به جایی رسیده است که گاه کل شعر شهریار عوض شده و هر مصحح نامی! بر اساس ذوق و سلیقه‌ی خود قطعه‌ای از قطعات حیدربابا را تغییر داده است.

خواننده‌ی محترم در نظر داشته باشد که براساس رسم الخط قدیم در اکثر موارد از حرکة‌ی کسره به جای حرف «ی» استفاده شده که ما در این مجموعه هر جا که به اصل شیوه‌ی نگارش صدمه وارد نمی‌شد از «ی» استفاده می‌کنیم. به عنوان مثال «ایتیومو» که در اصل متن به صورت «ایتومو» نوشته شده است.

همچنین بر اساس رسم الخط قدیم در پاره‌ای از موارد برای نگارش «اوز» به معنای «صورت» از ئ (یای همزه دار) استفاده گردیده بود مثل «ئوز» که به صلاح‌دید ویرستار محترم آقای مرتضی خانی نگارش امروزی به کار برده شد.

در کلیات حیدرباباهایی که اخیراً به چاپ رسیده صرف نظر از جابجایی مکانی کلمات در درون مصراع‌ها، متأسفانه گاهی تصحیح کنندگان این مجموعه‌ها بر اساس آنچه در فوق اشاره گردید، ابیات را به لحاظ محتوایی مورد تغییر قرار داده و در پاره‌ای موارد، احتمالاً به دلیل عدم درک معنی لغات مورد استفاده‌ی شهریار و یا بر حسب سلیقه‌ی شخصی افراد، تغییر لغات نموده‌اند که معنی شعر را کلاً عوض کرده است.

در ادامه به پاره‌ای از تغییرات و حذفیاتی که در متن اصلی منظومه‌ی حیدربابا به وقوع پیوسته اشاراتی می‌کنیم اما یادآوری دوباره‌ی این نکته را ضروری می‌دانیم که صرف نظر از تغییرات و حذفیات در لغات و قطعاتی که

مورد اشاره‌ی ماست، در اکثر مجموعه‌های منتشره‌ی امروزی، گویش خاص تبریز و اطراف آن که شهریار مورد استفاده قرار داده بود، تغییرات فراوانی به خود دیده است. به هر حال در ذیل این نوشته مصراع‌هایی که بالای ستاره‌ها قرار دارند شیوه‌ی نگارش شهریار می‌باشد و مطالبی که زیر ستاره‌ها هستند نوشتار من محان محترم!

فیزلار دییه: آتیل - ماتیل چوشنبه

فیزلار دییه: آتیل - باتیل چوشنبه

شهریار در این مصراع به از آتیل، کلمه‌ی «ماتیل» را به کار برده به نظر می‌رسد که اشتباه چاپی رخ داده و بر آن بعد از پریدن از روی آتش که اوج گرفتن است بایستی فرود آمدن مد نظر قرار گیرد که طبیعتاً «باتیل» یعنی بات = بر زمین فرود آی، درست می‌نماید. اگر به همین انتشارات آذربایجان-یاران و اختر به این نکته توجه داشته و «باتیل» را به کار برده‌اند اما در نسخه‌ی انتشارات نگاه که به تصحیح کریم مشروطه‌ای رسیده، عین «ماتیل» ثبت شده و به نظر فاقد معنی می‌باشد.

آخسام باشی ناخیریلان گلنده...

آخسام باشی ناخیرچیلار گلنده...

در این مصراع شهریار اشاره به این دارد که عصرها خارج از ده منتظر می‌ماندیم تا وقتی که گله‌داران (کسانی که گله را برای چرا به دشت

می بردند) به ده برگردند. آنگاه گره ها خرها را از گله جدا کرده و تا ده می تاختیم. معنی مصراع خود شهریار این است که وقتی به اتفاق گله داران به ده برمی گشتیم، اما در تصحیح آقای مشروطه چی تبدیل به «ناخیر چیلار» شده که معنی شعر کلاً عوض می شود و چنین می نماید که وقتی گله داران به ده بر می گشتند!

کند اوشاغی قار گولله سین سؤینده

سؤ اوشاغی قار گولله سین سؤینده

یکی از نمونه ای به همسان سازی زبانی و از بین بردن گویش های مختلف ترکی همین کلمه ی «سو بند» و «سؤ بند» می باشد. ساکنین نواحی شمال شرقی آذربایجان از ویژگی «نوه» به معنای دوست داشتن استفاده می کنند و ساکنین تبریز و اطراف آن از واژه ی «سؤیماخ - سؤیماق» پیشگامان همسان سازی زبانی با اصرار دارند سعی کرده اند تا واژه ی «سئومک» را وارد ادبیات نوشتاری گویش تبریز و اطراف آن نمایند و اظهار می دارند که «سؤیوش» و «سؤیمک» به معنای فحش و دشمنی باشد حال آن که در تبریز و اطراف آن واژه ی «سؤیماخ - سؤیماق» به معنای دوست داشتن است و برای بیان کلمه ی فحش از کلمه ی «یامان» استفاده می کنند. تلاش پیشگامان همسان سازی زبان ترکی منجر به خود باختگی بسیاری از نویسندگان تبریزی شده و آنها نیز به دلیل ترس از طرد و یا تحقیر، گویش مادرزادی خود را از دست داده و در محاورات و مکتوبات خود با زحمت

بسیار سعی می‌کنند از واژه‌ی «سِئومک» استفاده نمایند. نگاهی به نوشته‌ی شهریار که مربوط به بیش از شصت سال پیش می‌باشد نشان می‌دهد که شهریار شکل صحیح این واژه را با تلفظ اصیل تبریزی به کار برده است. از این نمونه‌ها در فضای کنونی غالب و مغلوبِ گویش‌های ترکی بسیار است که به خاطر دور از حوصله بودن خواننده از پرداختن به آنها خودداری می‌شود اما در نسخه‌ی کریم مشروطه‌چی گویش «سِئومک» جایگزین شکل اصیل آن شده است.

بایدالارین سرتی آشوب، داشاردی

بایدالارین سوتی دیوب، داشاردی

شهریار در استفاده از کلمه‌ی «آشوب د شما» = آشیب داشماخ، که به معنای سرریز شدن می‌باشد ظرافت خاصی به کار برده. حال آن که در نسخه‌ی مورد تصحیح آقای کریم مشروطه‌چی «دولور داشماق» به معنای پر شدن و بیرون ریختن می‌باشد و ظرافتی را که مدنظر شهریار بوده است را نمی‌رساند.

نمونه‌ی «آشیب داشماق» در ترکی بسیار است. به عنوان مثال گیاهی داریم به نام «آشار داشار» که اگر آقای مشروطه‌چی به این مسئله عنایتی داشتند، پی می‌بردند که نگرش و نگارش شهریار صحیح می‌باشد و در انتخاب تک تک لغات و عبارات و اصطلاحات به معانی صحیح آنها (به غیر از نمونه‌های فولکلوریک)، به کاربردهای مختلف آن نیز توجه داشته است.

در عین حال لطافتی که در انتخاب کلمات شهریار موج می‌زند، با جایگزینی لغات دیگر توسط مصححین! از دست می‌رود و روح شعری منظومه‌ی حیدر بابا جریحه‌دار می‌شود.

ملا باقر عم‌اوغلی تنز میساردی

ملا باغیر عم‌اوغلی تنز میساردی

«ملا باق» شوهر عمه‌ی شهریار می‌باشد. به نظر می‌رسد شهریار به دو دلیل از «کار بردن» **«باغیر»** به جای **«باقر»** امتناع نموده است. اول آن که **«باقر»** اسم خاص است و اسم خاص قابل تغییر نیست و دوم آنکه شهریار با علم بر معنای نام‌انوسر **«امیر»** از نگارش آن به این شکل امتناع ورزیده است. و این دلیل آخری بیشتر ما نظر شهریار بوده است زیرا در اسامی دیگری مثل **«تقی»** از شکل محاوره‌ای آن استفاده نموده. حال آن که در نسخه‌ی تصحیحی آقای مشروطه‌چی چنین به نظر می‌رسد که تعدی در کاربرد لغت باغیر (فعل امر داد بزن، هوار بکش، باغیرماق = داد بزن و هوار کشیدن) بوده است و قصد تحقیر ملا در آن موج می‌زند. این تغییر است نگارش اسامی خاص در سایر موارد نیز دیده می‌شود نظیر **«ورزغان»** (شکل صحیح مورد نگارش شهریار) و **«ورزقان»** (شکل نگارش کریم مشروطه‌چی) و **«امیر غفار»** (شکل صحیح مورد نگارش شهریار) و **«امیر قافار»** (شکل نگارش کریم مشروطه‌چی) ...

هنج یلمه دیک نه وقت کوللو کدن آشدیق

هنج یلمه دیک نه وقت گدیکدن آشدیق

«کوللوک»

در ایام ماضی، به فصل زمستان، در خانه‌ها بساط کرسی پهن می‌شد. در کودکی زیرین کرسی زغال می‌ریختند و حرارت این زغال‌ها موجب گرم شدن کرسی می‌گشت. معمولاً در محلات شهرها و روستاها مکان‌هایی وجود داشت که در این مکان‌ها خاکستر این زغال‌ها را می‌ریختند. با توجه به این که در ترکی «حاکر زغال» «کول» می‌گفتند، جایی که مردم یک ده یا محله این «کول»‌ها را می‌ریختند «کوللوک» نامیده می‌شد.

خاکسترها بر روی هم تلوار می‌گردید و حالت تپه مانند به خود می‌گرفت. این مکان‌ها معمولاً مکان‌های وقف و یا اهدایی بوده‌اند که در شهر صوفیان محله «ایمان کوللوکی» و در هم موجود است و در زادگاه اینجانب نیز در محله آخونی تبریز، منطقه‌ای بوده تحت عنوان «آخونی کوللوکی».

لازم به ذکر است که این «کوللوک»‌ها در اثر برچیده شدن کرسی‌ها به تدریج تغییر ماهیت داده و به محل ریختن زباله‌ها تبدیل شد و هنوز هم به محلی که زباله در آن ریخته شود «کوللوک» گفته می‌شود. شهریار در این مصراع اشاره به «کوللوک» نموده است حال آن که در نسخه‌ی انتشارات آذربایجان - یاران و همچنین نسخه‌ی مورد تصحیح محمد تقی سبکدل از کلمه‌ی «گدیک» (محلی که در وسط کوه، چه به صورت طبیعی و چه به

صورت مصنوعی ایجاد شده است تا از آن تردد شود) استفاده شده و تحریف در آنچه که مورد تصور ذهنی شهریار بوده است به وقوع پیوسته.

یکی از ارزش‌های حیدربابای شهریار زنده نگاه داشتن اصطلاحات متعددی است که در این منظومه به کار رفته است، این تحریفات نه تنها موجب خدشه در معانی مورد نظر شهریار می‌شود بلکه با این روند چنانچه پیش نیز گفته آمد، در آینده شاهد حیدرباباهایی خواهیم بود که با حیدربابای شهریار به کلی مغایر است.

حیدربابا، یار و یولداش دؤندولر

حیدربابا، یار - یولداشلار دؤندولر

شهریار از روی برگه داندیش یار و همراه خبر داده است و این که فعل جمع به کار برده ناظر بر دو کاست «یار و یولداش» (یار و همراه) بوده است اما مصححین محترم در اکثر نسخه‌ها از جمله نسخه‌ی کریم مشروطه‌چی، نسخه‌ی انتشارات آذربایجان - یاران نسخه‌ی محمد تقی سبکدل از لغت «یولداشلار» (همراهان) استفاده نموده‌اند نه تنها موجب سبکدلی در وزن شعر شده بلکه این تصحیح نامأنوس! موجب روال ترکیب‌بندی کاملاً نامأنوس و هماهنگ شهریار نیز شده است.